

بیست و پنج پرسش برجامی



رابطه‌ی قطعنامه‌ی ۲۲۳۱ با بیانیه‌ی ۶ کشور

س: آیا بیانیه‌ی گروه ۵+۱ که منضم به قطعنامه‌ی ۲۲۳۱ است، بخشی از قطعنامه است؟
ج: بله.

* قطعنامه‌ی ۲۲۳۱ از ۴ بخش تشکیل شده که همگی یک مجموعه و یک واحد محسوب می‌شود. این بخش‌ها عبارتند از: «بندهای مقدماتی»، «بندهای اجرایی»، «پیوست A» (متن کامل توافق جامع مشترک اقدام) و «پیوست B» (بیانیه‌ی گروه ۵+۱).

* این ۴ بخش یک مجموعه‌ی واحد را تحت عنوان قطعنامه‌ی ۲۲۳۱ تشکیل می‌دهد.

* هر ۴ بخش قطعنامه از آثار حقوقی یکسان برخوردار است. همان قدر که پیوست A (متن توافق جامع) الزام‌آور است، پیوست B (بیانیه‌ی گروه ۵+۱) نیز الزام‌آور است.

* در طول روند مذاکرات، وزیر خارجه‌ی کشورمان خواستار صدور قطعنامه‌ی جدید از سوی شورای امنیت شده بود تا رئیس‌جمهور و کنگره‌ی فعلی و آتی امریکا را ملزم به اجرای توافق جامع نماید. بنابراین به همان دلیلی که دکتر ظریف معتقد است طبق قطعنامه‌ی ۲۲۳۱، پیوست A قطعنامه برای ۵+۱ الزام‌آور است، و آنها نباید از تعهدات خود طبق توافق جامع تخطی نمایند، به همان دلیل نیز ایران نمی‌تواند از مفاد پیوست B تخطی نماید.

مجوز دسترسی آژانس به حیطه‌ی نظامی ایران

س: آیا آژانس می‌تواند به حیطه‌ی نظامی ایران دسترسی داشته باشد؟

ج: بله. آژانس دست کم از چهار طریق می‌تواند به حیطه‌ی نظامی ایران دسترسی داشته باشد:

* بر اساس بند سوم قطعنامه‌ی ۲۲۳۱ (۱)

* بر اساس پروتکل الحاقی

* بر اساس توافق ایران و آژانس در موضوع ابعاد احتمالی نظامی.

* بر اساس سازوکار کار گروه خرید برای نظارت و راستی آزمایی استفاده از تمام اقلام، مواد، تجهیزات و کالاهای فناوری‌های دو منظوره.

عناصر حیطه‌ی نظامی ایران

س: حیطه‌ی نظامی ایران در برگیرنده‌ی چه عناصری است؟

ج: توافق جامع و قطعنامه‌ی ۲۲۳۱ به آژانس این امکان را می‌دهد تا به عناصر حیطه‌ی نظامی ایران به شرح زیر دسترسی داشته باشد:

* افراد نظامی

* اسناد نظامی

* اطلاعات نظامی

* تجهیزات نظامی

* اماکن نظامی

قطعنامه‌ی ۲۲۳۱؛ مجوز کلی و مطلق برای دسترسی آژانس به حیطه‌ی نظامی ایران

س: دامنه و ابعاد دسترسی آژانس به حیطه‌ی نظامی ایران بر مبنای مفاد قطعنامه‌ی ۲۲۳۱ چگونه است؟

ج: بر اساس مفاد بند سوم قطعنامه‌ی ۲۲۳۱: «ایران باید به طور کامل درخواست‌های آژانس را بر اساس آنچه در گزارش‌های آن بیان شده از طریق همکاری با آژانس برآورده سازد».

* واژه‌های «باید»، «به طور کامل»، «درخواست‌های آژانس» و «گزارش‌های آژانس» در این بخش از قطعنامه کلیدی است.

* بر اساس این بند از قطعنامه، «همکاری ایران با آژانس» باید «به طور کامل» بوده و این همکاری، مقید و محدود به هیچ قیدی نشده است.

* بر اساس این بند از قطعنامه، «درخواست‌های آژانس» مقید به هیچ امری نشده و می‌تواند هر درخواست آژانس از جمله ورود به حیطه‌ی نظامی (اماکن، افراد، اسناد، اطلاعات و تجهیزات) را شامل شود.

* بر اساس این بند از قطعنامه، «درخواست‌های آژانس» حتی مقید به این که در چارچوب «توافق نامه‌ی پادمان» و یا «پروتکل الحاقی» باشد، نیز نشده و این درخواست‌ها می‌تواند فراتر از «نقشه‌ی راه توافق شده میان ایران و آژانس» در باره PMD باشد.

* بر اساس این بند از قطعنامه، «درخواست‌های آژانس» که در گزارش‌های آن آمده، مقید به درخواست‌های مندرج در گزارش‌های پیشین (تا پیش از توافق جامع) نشده است، بلکه ایران موظف است تا درخواست‌های آژانس حتی مواردی را که در گزارش‌های آتی آژانس خواهد آمد، برآورده سازد.

* با توجه به این که مدت زمان اجرای این قطعنامه دست کم ۱۰ سال است، لذا ایران باید طی ۱۰ سال آینده همه‌ی درخواست‌های آژانس در گزارش‌های آتی (حدود ۴۰ گزارش) را برآورده سازد.

* برخی از درخواست‌های آژانس از ایران که در گزارش‌های قبلی آن مطرح شده است، بسیار خطرناک است، از جمله این درخواست‌ها، تقاضای دسترسی به «اسناد و اطلاعات»، «مراکز نظامی»، «افراد نظامی» و «تجهیزات نظامی» است.

زمان بسته شدن پرونده‌ی ایران در شورای امنیت

س: آیا بر اساس قطعنامه‌ی ۲۲۳۱، با اجرای مفاد «توافق جامع» و «مفاد این قطعنامه»، پرونده‌ی ایران در شورای امنیت مختومه شده و ایران به طور کامل از دستور کار این شورا خارج خواهد شد؟
ج: خیر.

* به طور قطع و دست کم تا ۱۰ سال آینده ایران هم چنان در دستور کار شورای امنیت خواهد بود.
* براساس قطعنامه‌ی ۲۲۳۱، شورای امنیت متعهد شده است که پس از ۱۰ سال قطعنامه‌ی جدیدی صادر کند که در آن «جمع‌بندی» (conclusion) خود را اعلام نماید.

* «جمع‌بندی» شورای امنیت لزوماً به معنای «مختومه‌شدن موضوع ایران» و «خروج از دستور کار شورای امنیت» نیست، در حالی که چنانچه شورای امنیت می‌خواست به طور واقعی موضوع ایران را مختومه نموده و آن را از دستور کار خارج نماید، باید از واژه‌ی close استفاده می‌کرد.

* پس از توافق جامع، معاون وزیر خارجه‌ی امریکا اعلام نمود ۵ عضو دائم شورای امنیت طی نامه‌ای به دبیر کل این سازمان خواستار تمدید ۵ ساله‌ی قطعنامه‌ی ۲۲۳۱ شده‌اند که این امر نیز گواهی بر این مدعا است که با «جمع‌بندی» شورای امنیت، موضوع ایران مختومه نخواهد شد.

به این ترتیب حتی پس از ۱۰ سال و در صورتی که طرف مقابل، دوره‌ی زمانی ارجای قطعنامه را تمدید نکند،

* قطعنامه‌ی ۲۲۳۱ لغو نشده است،

* ۶ قطعنامه‌ی تحریمی لغو نشده است،

* موضوع هسته‌ای ایران در شورای امنیت مختومه نشده است،

* موضوع ایران از دستور کار شورای امنیت خارج نشده است. (۲)

لازم‌الاجرا بودن قطعنامه ۲۲۳۱

س: آیا اجرای همه‌ی مفاد قطعنامه‌ی ۲۲۳۱ برای ایران لازم‌الاجرا است؟

ج: بله. به همان دلیل که وزیر خارجه‌ی ایران برای الزام امریکا به اجرای توافق جامع خواستار صدور قطعنامه‌ی شورای امنیت در تأیید این توافق شده و انتظار داشته که مفاد قطعنامه‌ی ۲۲۳۱ امریکا (رئیس جمهور و کنگره‌ی فعلی و آینده) را ملزم به اجرای آن می‌کند، ایران نیز به همان دلیل ملزم به اجرای همه‌ی مفاد قطعنامه‌ای است که با موافقت خود تصویب و صادر شده و عدم تمکین از آن اقدام ۵ کشور عضو دائم

شورای امنیت علیه ایران را به دنبال خواهد داشت که صدور قطعنامه‌ی تحریمی جدید قطعی‌ترین اقدام آنها و صدور قطعنامه تحت ماده‌ی ۴۲ محتمل‌ترین اقدام آنها خواهد بود.

امکان عدم اجرای برخی مفاد قطعنامه‌ی ۲۲۳۱

س: آیا ایران می‌تواند برخی از مفاد قطعنامه‌ی ۲۲۳۱ را اجرا نکرده و از آن سرپیچی نماید؟
ج: خیر (از نظر حقوقی) و بله (از نظر علمی، ولی در ازای هزینه‌ی سنگین نقض قطعنامه‌ی شورای امنیت).
* این قطعنامه با درخواست و موافقت ایران صادر شده است.
* در باره‌ی مفاد قطعنامه‌ی ۲۲۳۱ ایران طرف مشورت ۵+۱ بوده و قاعدتاً ایران موافقت خود را با مفاد آن از قبل اعلام داشته است.
* تصریح به این امر در مقدمه‌ی قطعنامه که همه‌ی مفاد آن تحت ماده‌ی ۲۵ منشور ملل متحد تصویب شده است که همه‌ی کشورها را ملزم به «پذیرش» و «اجرای» تصمیم‌های شورای امنیت می‌کند.
* از نظر حقوقی و بین‌المللی هیچ توجیهی وجود ندارد که ایران مواردی را که توافق نموده، نقض نماید. قاعده‌ی استاپل در حقوق بین‌الملل نیز می‌گوید: «انکار بعد از اقرار مسموع نیست».
* هر چند نقض قطعنامه، نقض توافق جامع نخواهد بود، اما این نقض مستلزم آثار و پیامدهای جدی است.
* «نقض توافق جامع»، «نقض توافق دو جانبه» است که منجر به بازگشت تحریم‌های قبلی خواهد شد، اما «نقض قطعنامه»، «نقض توافق بین‌المللی» است که نه تنها بازگشت تحریم‌های قبلی را در پی خواهد داشت، بلکه شورای امنیت تحریم‌های جدیدی را نیز اضافه خواهد نمود.
* در صورت ادامه‌ی نقض قطعنامه توسط ایران، شورای امنیت قطعنامه‌ی دیگری را صادر خواهد کرد که ابتدا ایران را تحت فصل ۷ منشور ملل متحد وارد نموده و سپس با استفاده از ماده‌ی ۴۲ منشور، مجوز حمله‌ی نظامی به ایران را صادر خواهد نمود.

تداوم تحریم‌های موشکی

س: با صدور قطعنامه‌ی ۲۲۳۱ تحریم‌های موشک‌های بالستیک از بین رفته است؟
ج: خیر.
* طبق توافق ژنو (آذرماه ۱۳۹۲)، باید همه‌ی تحریم‌های مرتبط با هسته‌ای شورای امنیت لغو گردد. از این رو به دلیل این که تحریم‌های موشکی و تسلیحاتی در قطعنامه‌ی ۱۹۲۹ آمده است و با توجه به این که این قطعنامه هسته‌ای است، لذا پس از توافق جامع باید همه‌ی تحریم‌های موشکی و تسلیحاتی لغو می‌شد.
* در قطعنامه‌ی ۲۲۳۱، نه تنها تحریم‌های موشکی و تسلیحاتی لغو نگردید، بلکه تحریم‌های موشکی به مدت ۸ سال و تحریم‌های تسلیحاتی به مدت ۵ سال ادامه خواهد داشت.
* ادامه‌ی تحریم‌های ۸ ساله‌ی موشکی و ۵ ساله‌ی تسلیحاتی با موافقت هیأت ایرانی تثبیت شده است.

* اظهارات وزیر خارجه‌ی روسیه در این باره تأسفبرانگیز است. سرگئی لاورف گفته است: «ما و چین می‌خواستیم تحریم‌های تسلیحاتی لغو شود، اما علی‌رغم حمایت ما، خود تیم ایرانی موافقت کردند که تحریم‌ها تا ۵ سال ادامه یابد. درنهایت همکاران ایرانی ما که طبیعتاً در این مورد تصمیم گیرنده‌ی اصلی بودند، موافقت کردند که در این مورد معامله کنند. با توجه به این که ایران با آن موافق بود، طبیعتاً ما و چین از آن حمایت کردیم. در این دوره، تسلیحاتی که به ایران داده می‌شود باید تحت نظارت شورای امنیت سازمان ملل باشد.».

تفاوت مفاد قطعنامه‌های ۱۹۲۹ (۳) و ۲۲۳۱

س: تفاوت مفاد قطعنامه‌های ۱۹۲۹ (۳) و ۲۲۳۱ (۴) در موضوع موشکی چیست؟
ج: برای بررسی تفاوت‌های دو قطعنامه در موضوع موشکی مناسب است ابتدا به عبارت‌های انگلیسی هر دو توجه شود تا مقایسه آسان‌تر و کارشناسی‌تر باشد:

۱۹۲۹: iran shall not undertake any activity related to ballistic missiles capable of delivering unclear weapons, including launches using ballistic, missile technology

۲۲۳۱: irans is called upon not to undertake any activity related to ballistic missile designed to be capable of delivering unclear weapons, includinglaunches such ballistic missile technology

تشابه:

* عبارت‌هایی که در دو متن بالا زیر آن خط کشیده شده مبین آن است که بخش اعظم نص مفاد قطعنامه‌ی ۱۹۲۹ در قطعنامه‌ی ۲۲۳۱ تکرار شده است.

تفاوت:

* وجود فعل shall در قطعنامه‌ی ۱۹۲۹ و claa upon در قطعنامه‌ی ۲۲۳۱ (توضیحات در بند ۹)
* عدم وجود قید برای موشک‌های بالستیک قادر به حمل سلاح‌های هسته‌ای در قطعنامه‌ی ۱۹۲۹ و وجود صفت designed برای این موشک‌ها در قطعنامه‌ی ۲۲۳۱ (توضیحات در بند ۱۰)
* عدم وجود مهلت زمانی برای پایان بخشیدن به ممنوعیت فعالیت موشکی و منوط شدن خاتمه‌ی این ممنوعیت به حل مسئله‌ی PMD در قطعنامه ۱۹۲۹ و وجود مهلت زمانی حداقل ۸ سال برای رفع این ممنوعیت و یا گزارش مبسوط آژانس درباره‌ی باقی ماندن همه‌ی مواد هسته‌ای در ایران به صورت صلح‌آمیز در فعالیت‌های هسته‌ای در قطعنامه‌ی ۲۲۳۱.

تفاوت یا تشابه مفهومی shall با call upon

س: آیا معنا و مفهوم دو واژه‌ی shall که در قطعنامه‌ی ۱۹۲۹ آمده و واژه‌ی call upon که در قطعنامه‌ی ۲۲۳۱ آمده است، با هم متفاوت است؟

ج: در ادبیات سازمان ملل و شورای امنیت برای انجام و یا عدم انجام کاری توسط یک کشور از واژه‌های shall, call upon و shall, call استفاده می‌شود، اما میان دو واژه‌ی shall, call تفاوت بسیار جدی وجود داشته و الزامی که در فعل shall وجود دارد، در فعل call نیست، اما موضوع در باره‌ی shall و call upon بسیار متفاوت است، چرا که از نظر مفهومی و معنایی تفاوت call upon و shall بسیار کم است و لذا جنبه‌ی الزام و اجبار آن بسیار به shall نزدیک‌تر است تا جنبه‌ی عدم الزام آن به call.

بی تأثیری وجود واژه‌ی designed

س: آیا وجود واژه‌ی designed در قطعنامه‌ی ۲۲۳۱ دامنه‌ی اختیارات شورای امنیت در موضوع موشکی ایران را نسبت به قطعنامه‌ی ۱۹۲۹ کمتر کرده است؟

ج: خیر.

* ابتدا مناسب است به عبارت‌های هر دو قطعنامه در باره‌ی این موضوع دقت شود:

عبارت قطعنامه‌ی ۱۹۲۹: «موشک‌های بالستیک دارای قابلیت حمل سلاح‌های هسته‌ای» (۵)

عبارت قطعنامه‌ی ۲۲۳۱: «موشک‌های بالستیک طراحی شده با قابلیت حمل سلاح‌های هسته‌ای» (۶)

* با توجه به این که عبارت «دارای قابلیت» در متن قطعنامه‌ی ۲۲۳۱ هم آمده لذا عملاً واژه‌ی «طراحی شده» نمی‌تواند عمومیت ناشی از عبارت «دارای قابلیت حمل سلاح‌های هسته‌ای» را تحدید کند. چرا که آنچه مهم است «قابلیت» است و قاعدتاً همین امر نیز ملاک طرف مقابل خواهد بود. چنانچه در کنار واژه‌ی «designed»، عبارت «specially» ذکر می‌شد تا حدی زیادی مشکل عمومیت مفاد این بند از قطعنامه رفع می‌گردید و عبارت اصلی چنین می‌شد: «موشک‌های بالستیک طراحی شده‌ی خاص عمل سلاح‌های هسته‌ای».

* نکته‌ی مهم در بی تأثیری وجود واژه‌ی designed در متن قطعنامه‌ی ۲۲۳۱ نسبت به شمول تحریم‌های موشکی نسبت به همه‌ی موشک‌های با قابلیت حمل سلاح هسته‌ای، اظهارات مکرر مقام‌های وزارت خارجه‌ی کشورمان در زمینه‌ی عدم اجرای این بخش از قطعنامه‌ی شورای امنیت است. به عبارت دیگر، اگر واژه‌ی designed در قطعنامه‌ی ۲۲۳۱ توانسته مشکل تحریم موشکی ناشی از قطعنامه‌ی ۱۹۲۹ را حل کند، پس چرا وزیر امور خارجه و معاون ایشان به طور مکرر اظهار می‌دارند که ایران خود را ملزم به رعایت مفاد این بخش از قطعنامه‌ی ۲۲۳۱ نمی‌داند.

قطعنامه‌ی ۱۹۲۹ مجوز جنگ داده؟

س: با توجه به این که در بند ۹ از قطعنامه‌ی ۱۹۲۹ درباره‌ی موضوع موشکی ایران آمده است: «همه‌ی کشورها باید همه‌ی اقدام‌های لازم (necessary measures) برای ممانعت از انتقال فناوری یا کمک‌های فنی به ایران در رابطه با این فعالیت‌ها (فعالیت‌های مربوط به موشک‌های بالستیک دارای قابلیت حمل سلاح‌های هسته‌ای) را انجام دهند»، آیا به معنای مجوز حمله‌ی نظامی به ایران است؟

ج: خیر. برای صدور مجوز جنگ توسط شورای امنیت، باید

۱. شورای امنیت تهدید یا نقض صلح و امنیت بین‌المللی را احراز کند،

۲. قطعنامه‌ای تحت فصل ۷ منشور ملل متحد صادر کند و

۳. تحت ماده‌ی ۴۲ مجوز حمله را صادر نماید،

در حالی که بر اساس مفاد قطعنامه‌ی ۱۹۲۹

* هیچ یک از موارد سه گانه‌ی بالا توسط شورای امنیت احراز و انجام نشده است، بلکه بر عکس؛

* شورای امنیت نقض صلح و امنیت بین‌المللی را به واسطه‌ی فعالیت‌های موشکی بالستیک ایران احراز نکرده است،

* مفاد قطعنامه‌ی ۱۹۲۹ تحت فصل ۷ منشور ملل متحد، بلکه صرفاً محدود به ماده‌ی ۴۱ است،

* در دو قسمت از قطعنامه‌ی ۱۹۲۹ (۷) بر عدم استفاده از زور (عدم استفاده از اختیارات ماده‌ی ۴۲) برای اجرای قطعنامه تصریح شده است و

* هنگامی چنین احتمالی (مجوز حمله‌ی نظامی با استفاده از عبارت انجام همه‌ی «اقدامات لازم») موضوعیت پیدا می‌کرد که ابتدا موارد سه گانه‌ی بالا (۸) در قطعنامه‌ی ۱۹۲۹ درج می‌شد و سپس بعد از عبارت «اقدامات لازم»، جمله خاتمه می‌یافت، ولی در قطعنامه‌ی ۱۹۲۹ چنین نشده است، بلکه بر عکس، جمله ادامه یافته و منظور از «اقدامات لازم» را صرفاً به اقدام‌های اجرایی محدود نموده است اقدام لازمی که از انتقال فناوری (برای مثال یک ابررایانه) به ایران جلوگیری کند و یا مانع ورود یک کارشناس موشکی خارجی به ایران گردد.

رابطه‌ی ۶ قطعنامه‌ی قبلی با فصل ۷

س: آیا بر اساس ۶ قطعنامه‌ی (۹) پیشین، ایران تحت فصل ۷ منشور ملل متحد (۱۰) بوده است؟

ج: خیر. قطعنامه‌های قبلی فقط تحت ماده‌ی ۴۰ (۱۱) (برای الزام) و یا ماده‌ی ۴۱ (۱۲) (برای وادار سازی) بوده است، زیرا شورای امنیت «عدم تعلیق غنی‌سازی» توسط ایران را تهدید و یا نقض صلح و امنیت بین‌الملل نشناخته بود و لذا قطعنامه‌ها علیه ایران را تحت فصل ۷ منشور ملل متحد صادر نکرده بود. تنها و تنها برای این که ایران را ملزم به تعلیق نماید، در قطعنامه‌ی ۱۶۹۶ به «ماده‌ی ۴۰ از فصل هفتم منشور ملل متحد» (۱۳) استناد نموده و سپس برای مجازات و وادار سازی ایران به تعلیق در قطعنامه‌های ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳، ۱۸۳۵ و ۱۹۲۹ به «ماده‌ی ۴۱ از فصل هفتم منشور ملل متحد» (۱۴) که تحریم را در بردارد، استناد کرده بود.

رابطه‌ی ماده‌ی ۴۱ با فصل ۷

س: در صورت صدور قطعنامه‌ی شورای امنیت علیه یک کشور، آیا تفاوتی میان دو روش زیر وجود دارد:

* صدور قطعنامه «براساس ماده‌ی ۴۱ از فصل هفتم منشور ملل متحد»

* صدور قطعنامه «بر اساس فصل هفتم از منشور ملل متحد»؟

ج: بله. ماده‌ی ۴۱ فقط اشعار به الزام برای اعمال تحریم‌ها را دارد، در حالی که فصل ۷ علاوه بر شمول ماده‌ی ۴۱، ماده‌ی ۴۲ را نیز در بر گرفته و به طور ضمنی مجوز حمله‌ی نظامی را نیز در درون خود دارد.

تفاوت ماده‌ی ۴۱ با فصل ۷

س: اگر شورای امنیت بنا داشته باشد تا تحت فصل ۷ قطعنامه صادر کند، چه باید بکند؟

ج: برای درک بهتر موضوع، شایسته است قطعنامه‌های صادر علیه ایران با قطعنامه‌های اخیر صادره علیه یمن مقایسه شود:

* در قطعنامه‌ی ۲۲۰۱ شورای امنیت علیه یمن آمده است: «وضعیت یمن یک تهدید برای صلح و امنیت بین‌المللی است» (۱۵)

* در قطعنامه‌های ۲۲۰۴ و ۲۲۱۶ شورای امنیت علیه یمن آمده است: «تحت فصل هفتم از منشور ملل متحد»، (۱۶)

در حالی که درباره‌ی ایران؛

* در هیچ یک از قطعنامه‌ها ذکر نشده که «فعالیت‌های هسته‌ای ایران تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی است»

* در قطعنامه‌های ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳، ۱۸۳۵ و ۱۹۲۹ تصریح شده است: «تحت ماده‌ی ۴۱ از فصل هفتم منشور ملل متحد» (۱۷) قطعنامه را صادر می‌کند و بیان نشده که تحت فصل ۷ قطعنامه صادر می‌شود.

* در دو بند قطعنامه‌ی ۱۹۲۹ صریحاً برای جلوگیری از سوء استفاده‌ی امریکا تصریح می‌کند که این قطعنامه مجوزی برای حمله‌ی نظامی نمی‌دهد و لذا حق استفاده از زور وجود ندارد.

تفاوت آثار عملی ماده‌ی ۴۱ با فصل ۷

س: آیا آثار عملی و حقوقی قطعنامه‌ی شورای امنیت تحت «ماده‌ی ۴۱ از فصل هفتم منشور ملل متحد» با

آثار عملی و حقوقی قطعنامه‌ی تحت «فصل هفتم منشور ملل متحد» تفاوت دارد؟

ج: بله. در صورتی که قطعنامه تحت «فصل هفتم منشور ملل متحد» صادر شود، مفاد همه‌ی مواد این فصل

از جمله ماده‌ی ۴۱ (تحریم اقتصادی) و ماده‌ی ۴۲ (حمله‌ی نظامی) را دربرمی‌گیرد، در حالی که قطعنامه‌ی

تحت «ماده‌ی ۴۱ از فصل هفتم منشور ملل متحد» فقط به تحریم‌های اقتصادی محدود است.

دلیل عدم صدور ۶ قطعنامه تحت فصل ۷

س: چرا شورای امنیت، ۶ قطعنامه علیه ایران را تحت «فصل هفتم منشور ملل متحد» صادر نکرده است؟
ج: امریکا و انگلیس در پیش نویس قطعنامه‌ها علیه ایران قصد داشتند تا این قطعنامه‌ها تحت فصل ۷ صادر شود، ولی روسیه و چین با آن مخالفت نموده و تأکید کرده بودند «عدم تعلیق غنی سازی» توسط ایران، موجب تهدید و یا نقض صلح و امنیت بین المللی نیست و لذا نمی توان قطعنامه را تحت فصل ۷ صادر نمود و بر همین اساس تصریح به فصل ۷ در قطعنامه‌ها علیه ایران حذف شد.

دلیل صدور ۵ قطعنامه علیه ایران تحت مادهی ۴۱

س: اگر روسیه و چین با استناد قطعنامه‌های علیه ایران به فصل هفتم منشور ملل متحد مخالفت نمودند، پس چرا با استناد قطعنامه‌ی نخست به مادهی ۴۰ و استناد ۵ قطعنامه‌ی بعدی به مادهی ۴۱ موافقت کردند؟
ج: دلیل استناد قطعنامه‌ی نخست به مادهی ۴۰، «الزام» ایران به انجام خواسته‌های سه گانه‌ی آژانس و دلیل استناد ۵ قطعنامه‌ی بعدی به مادهی ۴۱، «وادار سازی» ایران به انجام این خواسته‌ها با اعمال «تحریم» علیه ایران بوده است.

فعالیت هسته‌ای ایران تهدید امنیت بین الملل بوده؟

س: ادعای زیر تا چه اندازه‌ای صحت دارد: «در قطعنامه‌های شش گانه به ویژه قطعنامه‌ی ۱۹۲۹، فعالیت‌های هسته‌ای ایران تهدید علیه صلح و امنیت بین الملل محسوب شده بود، ولی قطعنامه‌ی ۲۲۳۱ توانسته است تا فعالیت‌های هسته‌ای ایران را از جایگاه تهدید صلح و امنیت بین الملل خارج کند»؟
ج: این ادعا به هیچ وجه صحت ندارد، چرا که در هیچ جای قطعنامه‌های پیشین از جمله قطعنامه‌ی ۱۹۲۹، فعالیت‌های هسته‌ای ایران تهدید و یا نقض صلح و امنیت بین المللی قلمداد نشده و به همین دلیل قطعنامه‌ها تحت فصل ۷ صادر نشده است. تا در قطعنامه‌ی جدید این تهدید رفع شده باشد.

۲۲۳۱ مجوز خروج از فصل ۷؟؟

س: این گزاره تا چه حد درست است: «با صدور قطعنامه‌ی جدید (۲۲۳۱)، ایران از تحت فصل هفتم منشور ملل متحد خارج شده است»؟
ج: ایران در شش قطعنامه‌ی قبلی تحت فصل ۷ نبوده (۱۸) که با صدور قطعنامه‌ی ۲۲۳۱ از ذیل آن خارج شود.

مقایسه‌ی ۱۹۲۹ با ۲۲۳۱

س: با توجه به این که جامع‌ترین و کامل‌ترین قطعنامه از مجموعه‌ی قطعنامه‌های شش‌گانه علیه ایران، قطعنامه‌ی ۱۹۲۹ است، چه تفاوت‌ها و چه تشابه‌هایی میان این قطعنامه و قطعنامه‌ی ۲۲۳۱ وجود دارد؟
ج: تشابه:

* ذیل فصل ۷ نبودن: هیچ یک از دو قطعنامه تحت فصل هفتم منشور ملل متحد نیست.
* ذیل ماده‌ی ۴۱ بودن: کل قطعنامه‌ی ۱۹۲۹ تحت ماده‌ی ۴۱ است، ولی در قطعنامه‌ی ۲۲۳۱ همه‌ی تصمیم‌های شورای امنیت تحت ماده‌ی ۴۱ درج شده و برای ۱۰ مرتبه به ماده‌ی ۴۱ استناد شده است.
* الزام‌آور بودن: هر دو قطعنامه برای ایران لازم‌الاجرا است.
تفاوت:

* قطعنامه‌ی ۲۲۳۱ به عدم استفاده از زور برای اجرای مفاد این قطعنامه اشاره‌ای نکرده است، اما در قطعنامه‌ی ۱۹۲۹ بر عدم امکان استفاده از زور برای اجرای مفاد این قطعنامه تصریح شده است. (۱۹)
* خاتمه‌ی قطعنامه‌ی ۱۹۲۹ با اجرای خواسته‌های آژانس (۲۰) و نیز حل مسایل با آژانس میسر است و هیچ مهلت زمانی برای خاتمه‌ی آن تعیین نشده است، در حالی که خاتمه‌ی قطعنامه‌ی ۲۲۳۱ منوط به گذشت دست کم ۱۰ سال خواهد بود. البته بر اساس مفاد این قطعنامه چنانچه آژانس اعلام کند که «همه‌ی مواد هسته‌ای در ایران صلح‌آمیز» است نیز قطعنامه خاتمه می‌یابد، اما این شرط غیر قابل تحقق است و آژانس ابزاری برای حصول آن ندارد، (۲۱) لذا هیچ‌گاه چنین امری محقق نخواهد شد.

تا به حال غنی‌سازی در ایران ممنوع بوده؟

س: آیا ادعای زیر صحت دارد: «براساس قطعنامه‌های قبلی، غنی‌سازی در ایران ممنوع بود، ولی قطعنامه‌ی ۲۲۳۱ این ممنوعیت را رفع کرده است»؟
ج: خیر. قطعنامه‌های قبلی علیه ایران؛
* غنی‌سازی در ایران را منع نکرده بود،
* صرفاً خواستار تعلیق سه فعالیت غنی‌سازی، آب سنگین و بازفرآوری شده بود،
* غنی‌سازی ایران را به رسمیت شناخته بود، چرا که صرفاً خواستار تعلیق آن شده و اذعان نموده که پس از حل و فصل مسایل ایران با آژانس، ایران می‌تواند هر سه فعالیت از جمله غنی‌سازی را از سر بگیرد.
در حالی که قطعنامه‌ی ۲۲۳۱، نه تنها غنی‌سازی ایران را مورد شناسایی قرار نگرفته، بلکه بخشی از حقوق هسته‌ای تا ابد از ایران سلب شده (مانند حق بازفرآوری و حق راکتور آب سنگین) و درباره‌ی غنی‌سازی نیز به ایران فقط و فقط اجازه (و نه حق) داده تا ایران این فعالیت را به صورت محدود و برای دوره‌ی زمانی مشخص انجام دهد.

مجازات ایران در صورت عدم اجرای ۱۹۲۹؟

س: بر اساس قطعنامه ۱۹۲۹، چنانچه ایران از مفاد این قطعنامه پیروی نکرده و آن را جرا نکند، چه پیامدی متوجه ایران خواهد شد؟

ج: در آخرین بند از قطعنامه‌ی ۱۹۲۹ آمده است: «... چنانچه روشن شود که ایران از قطعنامه‌ی ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳ و این قطعنامه پیروی نکرده است، اقدامات مناسب بیشتر بر اساس بند ۴۱ از فصل ۷ منشور ملل متحد را بپذیرد...»، بنابراین با عدم اجرای مفاد قطعنامه‌های پیشین و قطعنامه‌ی ۱۹۲۹، باز هم شورای امنیت اصرار دارد که در چار چوب ماده‌ی ۴۱ با ایران برخورد خواهد کرد و از ماده‌ی ۴۲ علیه ایران استفاده نمی‌کند، ولی در قطعنامه‌ی ۲۲۳۱ چنین تصریحی نیامده و لذا نقض این قطعنامه می‌تواند صدور قطعنامه‌ای تحت فصل ۷ را علیه ایران در پی داشته باشد و سپس با گسترش تحریم‌ها ادامه یافته و نهایتاً منجر به صدور مجوز حمله‌ی نظامی تحت ماده‌ی ۴۲ گردد.

سازوکار یک جانبه‌ی حل و فصل اختلاف‌ها

س: آیا بر اساس سازوکارهای توافق جامع برای حل و فصل اختلاف‌ها، امیدی به دستیابی ایران به حقوق بدیهی‌ای وجود دارد؟

ج: خیر. سازوکارهای حل و فصل اختلاف در توافق جامع عبارت است از:

۱. کمیسیون مشترک، برای حل و فصل اختلاف‌های
 - * ایران با گروه ۵+۱ و اعضای آن در اجرای توافق جامع
 - * ایران و آژانس در اجرای پروتکل الحاقی
 - * کسب مجوز خرید کالاها و فناوری‌های دو منظوره
 ۲. نشست وزیران امور خارجه ایران با گروه ۵+۱ و اعضای آن؛ برای حل و فصل اختلاف‌های
 - * ایران با گروه ۵+۱ و اعضای آن در اجرای توافق جامع
 ۳. شورای امنیت سازمان ملل متحد؛ برای حل و فصل اختلاف‌های
 - * ایران با گروه ۵+۱ و اعضای آن در اجرای توافق جامع
- بر اساس موارد مطروحه در توافق، ایران بازنده‌ی از قبل تعیین شده‌ی این سازوکار است، چرا که در:
- * کمیسیون مشترک، طرف مقابل ایران ۷ رأی و ایران یک رأی دارد. در خوش‌بینانه‌ترین حالت و در شرایط خاص ممکن است روسیه و چین به نفع ایران رأی دهند که در آن صورت هم نتیجه ۵ به ۳ به ضرر ایران خواهد بود.
 - * شورای امنیت، طرف مقابل ایران ۵ عضو دارای حق وتو هستند و اساساً ایران عضو آن هم نیست.

توقف غنی‌سازی در پرتو توافق جامع

س: آیا با اجرای توافق جامع، غنی‌سازی در ایران تداوم خواهد داشت؟

ج: خیر.

* بر اساس مفاد توافق جامع، ایران موظف شده است تا طی ۱۰ سال تمام سانتریفیوژهای نسل یک خود را برچیند. این در حالی است که غنی‌سازی ایران صرفاً با همین نوع از ماشین‌ها انجام می‌شود. از این رو ۵۰۶۰ سانتریفیوژ که طبق توافق می‌تواند غنی‌سازی کنند، فقط در دوره‌ی ۱۰ ساله مجاز به فعالیت هستند و پس از پایان دوره‌ی ۱۰ ساله ایران مجاز نیست هیچ یک از سانتریفیوژهای نسل یک خود را برای غنی‌سازی استفاده نماید.

* هر چند که در توافق آمده هیچ محدودیتی برای غنی‌سازی سانتریفیوژهای نسل ۸ پس از دوره‌ی محدودیت وجود ندارد، اما

اولاً؛ حداقل تا پایان سال سیزدهم ایران حق استفاده از این سانتریفیوژها را برای غنی‌سازی ندارد، پس از آغاز سال یازدهم تا پایان سال سیزدهم غنی‌سازی ایران تعطیل خواهد بود و

ثانیاً؛ تا آن زمان (پایان سال سیزدهم) سانتریفیوژهای نسل ۸ آماده‌ی فعالیت صنعتی نخواهد بود، چرا که به دلیل محدودیت‌های توافق جامع بر روی فعالیت‌های تحقیق و توسعه روی این نوع ماشین‌ها، تا آن زمان عملیات تحقیق و توسعه به طور کامل روی آنها انجام نشده و این ماشین‌ها توانایی فعالیت صنعتی غنی‌سازی را نخواهند داشت.

پی‌نوشت‌ها:

۱- در بند سوم قطعنامه‌ی ۲۲۳۱ آمده است: «ایران باید به طور کامل بر اساس خواسته‌های آژانس که در گزارش - آژانس آمده است، ... همکاری نماید.»

۲- موضوع «ایران» به جای «عدم اشاعه» با عنوان و برجسب دیگری در دستور کار شورای امنیت سازمان ملل باقی خواهد ماند.

۳- بند نهم از قطعنامه‌ی ۱۹۲۹ تصریح می‌کند: «شورای امنیت تصمیم می‌گیرد که ایران نباید هیچ یک از فعالیت‌های مربوط به موشک‌های بالستیک که قادر به حمل سلاح‌های هسته‌ای باشد، از جمله پرتاب با فناوری موشک بالستیک انجام داده و کشورها باید همه‌ی اقدامات ضروری به منظور جلوگیری از انتقال فناوری یا کمک‌های فنی به ایران درباره‌ی چنین فعالیت‌هایی را انجام دهند.»

۴- بند سوم از پیوست دوم قطعنامه‌ی ۲۲۳۱ تصریح می‌کند: «از ایران خواسته می‌شود تا هیچ فعالیت مرتبط با موشک‌های بالستیک طراحی شده با قابلیت حمل تسلیحات هسته‌ای از جمله شلیک هر گونه موشک با استفاده از چنین فناوری‌های مربوط به موشک‌های بالستیک را تا زمان گذشت ۸ سال از روز پذیرش برجام و یا تا زمانی که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گزارشی ارائه کند که «جمع‌بندی مبسوط» را تأیید کند، بسته به این که کدام یک زودتر اتفاق بیفتد، انجام ندهد.»

۵- ballistic missiles capable of delivering unclear weapons

۶- ballistic missile designed to be capable of delivering unclear weapons

۷- در بند ما قبل آخر از بخش مقدمه و آخرین بند اجرایی (بند ۳۷) قطعنامه‌ی ۱۹۲۹.

۸- این موارد عبارت است از: «احراز تهدید یا نقض صلح و امنیت بین‌المللی توسط شورای امنیت»، «صدور قطعنامه‌ای تحت فصل ۷ منشور ملل متحد» و «صدور مجوز حمله‌ی نظامی تحت ماده‌ی ۴۲ منشور ملل متحد»

۹- منظور از قطعنامه‌های شش‌گانه، شماره‌ی ۱۶۹۶، ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳، ۱۸۳۵ و ۱۹۲۹ است.

۱۰- فصل هفتم منشور ملل متحد در برگیرنده‌ی ماده‌های ۳۹ تا ۵۱ این منشور است.

۱۱- ماده‌ی ۴۰ منشور ملل متحد عبارت است از: «به منظور جلوگیری از وخامت وضعیت، شورای امنیت می‌تواند پیش از آن که بر طبق ماده‌ی ۳۹ توصیه‌هایی بنماید یا درباره‌ی اقداماتی که باید معمول گردد، تصمیم بگیرد، از طرف‌های ذی نفع بخواهد اقدامات موقتی را که شورای امنیت ضروری یا مطلوب تشخیص می‌دهد، انجام دهند. اقدامات موقتی مذکور به حقوق یا ادعاها یا موقعیت طرف‌های ذی‌نفع لطمه‌ای وارد نخواهد کرد. شورای امنیت تخلف در اجرای موقتی را چنان که باید و شاید در نظر خواهد گرفت.»

۱۲- ماده‌ی ۴۱ از منشور ملل متحد عبارت است از: «شورای امنیت می‌تواند تصمیم بگیرد که برای اجرای تصمیمات آن شورا مبادرت به چه اقداماتی که متضمن به کارگیری نیروی مسلح نباشد، لازم است و می‌تواند از اعضای ملل متحد بخواهد که به این قبیل اقدامات مبادرت ورزند. این اقدامات ممکن است شامل متوقف ساختن تمام یا قسمتی از روابط اقتصادی و ارتباطات راه‌آهن، دریایی، هوایی، پستی، تلگرافی، رادیویی و سایر وسایل ارتباطی و قطع روابط سیاسی باشد.»

۱۳- Acting under Article 40 of chapter VII of the Charter of the United Nations

۱۴- Acting under Article 41 of Chapter VII of the Charter of the United Nations

۱۵- The situation in Yemen constitutes a threat to international peace and security

۱۶- با ذکر عبارت «فصل هفتم از منشور ملل متحد»، به طور طبیعی مفاد دو ماده‌ی ۴۱ و ۴۲ مشمول موضوع یمن خواهد بود.

۱۷- با تصریح عبارت «ماده‌ی ۴۱ از فصل هفتم منشور ملل متحد»، به طور طبیعی مفاد ماده‌ی ۴۲ شامل این گونه قطعنامه‌ها نخواهد شد.

۱۸- توضیح این که ایران در قطعنامه‌های شش‌گانه تحت فصل ۷ نبوده است، در پاسخ به پرسش‌های پیشین آمده است.

۱۹- در پاراگراف ماقبل آخر بخش مقدمه‌ی قطعنامه‌ی ۱۹۲۹ تصریح شده است: «با تأکید بر این که هیچ چیز در این قطعنامه کشورها را مجبور به اتخاذ اقدامات یا اعمال خارج از عُرْف این قطعنامه از جمله استفاده از زور یا تهدید با زور نمی‌کند».

۲۰- خواسته‌های آژانس در قطعنامه‌ی ۱۹۲۹ عبارت است از: «تعلیق فعالیت‌های غنی‌سازی»، «تعلیق فعالیت‌های آب سنگین»، «تعلیق بازفرآوری» و «اجرا و تصویب پروتکل الحاقی».

۲۱- ابزار آژانس برای انجام مأموریت‌های خود عبارت است از «موافقت‌نامه‌ی پادمان» و «پروتکل الحاقی». موافقت‌نامه‌ی پادمان آژانس را از «عدم انحراف فعالیت‌ها و مواد هسته‌ای» مطمئن می‌سازد و پروتکل الحاقی آژانس را از «عدم وجود مواد و فعالیت‌های هسته‌ای اعلام نشده» مطمئن می‌کند.

منبع مقاله : کمیته علمی موسسه فرهنگی هنری راسخون